

آیا جنرال دوستم شریک مطمئن به اشرف غنی خواهد بود؟؟؟

(استاد صباح)

دوستم : هر چیزی که داغ شود، بعد از مدت کوتاهی سرد می شود، ولی هر چیزی که یخته شود، دیگر به هیچ وجه خام نمی شود! پس در کوران حوادث و اتفاقات، همواره سعی کنید یخته شوید، نه داغ.



پاراگراف های از متن مقاله :

- > بودن جنرال دوستم مطمئن حاکمیت و اداره و بریدنش جز از هرج و مرج و سراسمیگی به مخالفینش چیزی دیگر نبوده است .
- > در پهلوی صداقت باطنی و موجودیت فزیکي نیرومندش از شانس خوبی برخوردار نیست
- > معلوم میشود جنرال دوستم با تفکر جدید و عملکرد نو وارد دنیای سیاست و همیاری توأم با صداقت باغنی گردیده است.
- > دوستم ، در متن حوادث و بحرانها قد کشیده و مصممانه به پیش رفته است.
- > از قراین برمی آید که غنی بی توجه تر نسبت به تعهداتش به پیش میرود.
- > از غنی توقع میرود تا با خاطر نیم خیز شدن جنگ و تفنگ و قدرت گرفتن مجدد بنیاد گرایی ، همیاری و همکاری صادقانه را با نیروهای که حداقل در تاریک خانه های افراط گرایی و ماجراجوی پرورده نشده اند ادامه بدهد.
- > سروردانش ، فرصت مجددی یافته است که در موقعیت متفاوت کاستی های گذشته را جبران کند و چهره متفاوتی از خود به نمایش بگذارد.

-> من دوستم را یک رهبر منطقه ی یافتیم که عمیقا توسط مردمش احترام می‌شد و او را کسی یافتیم که در سرزمین پراز قاجاق بران مواد مخدر، متعصبان مکتب‌سوز، زن‌ستیزان سنگ‌سار گرو بمب‌گذاران انتحاری، کسی بهتر از او پیدا نمی‌شد.

-> من سال‌ها در آمریکا دروغ‌های شایخ‌داری از ژورنال‌لیستان و بخصوص احمد رشید پاکستانی خوانده بودم و چندین بار که جنرال دوستم ر املاقات نمودم و در بین مردم بودم و دانستم که این همه هیاهو دروغ بیش نیست.

-> احمد رشید بخاطر جلوه دادن یک داستان ساختگی به عنوان واقعیت، بعدها از جنرال دوستم پوزش خواست. اما آن وقت، چهره ی جنرال تخریب شده بود.

دوباره می سازمت وطن، اگر چه با خشت جان خویش
ستون به سقف تو میزنم، اگر چه با استخوان خویش
دوباره می بویم از تو گل، به میل نسل جوان تو
دوباره می شویم از تو خون، به سیل اشک روان خویش
دوباره یک روز روشنا، سیاهی از خانه می‌رود
به شعر خود رنگ میزنم، ز آبی آسمان خویش
اگر چه صد ساله مرده ام، به گور خود خواهم ایستاد
که بر درم قلب اهرمن، ز نعره آنچنان خویش
کسی که عزم رمیم را، دوباره انشا کند به لطف
چو کوه می بخشدم شکوه، به عرصه امتحان خویش
اگر چه پیرم ولی هنوز، مجال تعلیم اگر بود
جوانی آغاز میکنم، کنار نوباوگان خویش
حدیث حب الوطن زشوق، بدان روش ساز می کنم
که جان شود هر کلام دل، چو بر برگشایم دهان خویش
هنوز در سینه آتشی به جاست، کز تاب شعله اش
گمان ندارم به کاهشی، ز گرمی دودمان خویش
دوباره می بخشم توان، اگر چه شعرم به خون نشست
دوباره می سازمت به جان، اگر چه بیش از توان خویش - بهبهانی.

نبرد برای تسخیر مزار شریف بخاطر درهم کوبیدن طالبان تروریست، سرنوشت تمام جنگ را تعیین کرد.
در این نبرد عبد الرشید دوستم نقش بارزی را بازی کرد. در جبهات کوهی واقع در جنوب مزار شریف،
برای یورش بر مواضع طالبان که مجهز به توپخانه ثقیل بودند، دوستم یک هزار سوارکار را وارد
کارزار کرد. جنرال دوستم توضیح می دهد: طالبان انتظار چنین حمله را نداشتند. اگر افراد را با پای پیاده
به جنگ می فرستادم، همه شان زیر باران توپخانه طالبان کشته می شدند. با سواری اسب ها، ما
بطور برق آسا از ساحه انداخت توپخانه ثقیل طالبان گذشته به آنان حمله ور شدیم و طالبان فرار کردند.
در این حمله بیشتر از سه صد سوارکار کشته شدند، اما با وجود این تلفات شدید، همینجا بود که فروپاشی
طالبان آغاز شد. کابل اشغال گردید، قندوز آخرین مرکز طالبان در شمال سرکوب شد و یک تعداد زیاد
نیروهای طالبان و متحدین آنها تسلیم شدند.

" ((اگر بیطرفانه و مستقلانه و روشنفکرانه دیده شود و خارج از هیاهوی مغرضانه و ذهنیگرانه ، دوستم مرد همه فصلهای تاریخ سه دهه کشور است . بودنش متضمن حاکمیت و اداره و بریدنش جزا هرج و مرج و سراسمیگی به مخالفینش چیزی دیگر نبوده است . در پهلوی صداقت باطنی و موجودیت فزیکي نیرومندش از شانس خوبی برخوردار نیست. وی شاید در بین دولتمردان سه دهه اخیر کمترین امتیازی را از حاکمیتها دریافت نموده باشد و هر کدام بایک تعهد ، ابراز دوستی و پیمان و همیاری در آغوشش گرفته اند و با حاصل شدن مراد بیشترین جفارا بر وی روا داشته اند. از داکتر نجیب الله ، تاربانی و مسعود و از آمریکاییها تا کرزی و دیده شود که اشرف غنی چه گلی رابه آب خواهد داد؟. اما از قراین و تبصره هابرمی آید که وی نیز بی توجه تر نسبت به تعهداتش به پیش میرود. ولی دوستم همچنان در متن حوادث و بحرانها قد کشیده و مصممانه به پیش رفته است ، از غنی نیز توقع میرود تا بخاطر نیم خیز شدن جنگ و تفنگ و قدرت گرفتن مجدد بنیاد گرایی ، همیاری و همکاری صادقانه رابانیرهایی که حداقل در تاریک خانه های افراطگرایی و ماجراجوی پرورده نشده اند ادامه بدهد و مانند کرزی از زیک زاک رفتنها و میخ و نعل زدنهای اجتناب نمایند و از عملکردهای بی کفایتانه کرزی درس بگیرد ، و تاجایی که دیده میشود جنرال دوستم باتفکر جدید و عملکرد نو وارد دنیای سیاست و همیاری توأم با صداقت باغنی گردیده است . امور خویشرا خسروان خود دانند. حافظ میگوید :

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید . (("

جنرال عبدالرشید دوستم در سال ۱۹۵۴ عیسوی در یک خانواده معتبر از بیک درخواجه دکوی ولایت جوزجان دیده به جهان گشودند و تا دوره متوسطه در یکی از مکاتب این ولایتبه درس و تعلیم مشغول بودند نظر به مساعد نبودن شرایط نتوانستند به تحصیلات شان ادامه بدهند در کشور بیعدالتی، ظلم و ستم و سرکوبگری ها به اوج خود رسیده بود و دوستم ازین حالت خیلی ها متأثر بودند و در پی نجات مردم فکر میکردند و از دوستان و یاران شان برای مشارکت در یک حرکت مردمی دعوت میکردند. طی سالیان در از باخلاقیت و تیز هوشی از صفر شروع و تا اینجاصعود نمود.

بنیاد گرایی که در نهایت امر به اساس مداخلات سریع آنده از کشور های که میخواستند افغانستان را به مرکز بنیاد گرایی تبدیل نمایند. کشور ما را در کام جنگ و آتش فرورد و بزرگترین مصیبت جبران ناپذیر ایجاد تفرقه، سو اعتماد و از همپاشیدن شیرازه وحدت ملی را که تا اکنون تاثیرات منفی آن مردم ما را به تحمیل رنج و عذاب و ادار گردانیده است به همگان روشن است. بخاطر هویت سیاسی، حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی عده پی از روشنفکران، نظامیان، منتقدین و شخصیت های ملی، در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی به ایجاد جنبش مبادرت ورزیدند تا با هماهنگ ساختن اقدامات و تدابیر نظامی سیاسی در کشور راه حل معقول و قابل قبول برای ملت را به خاطر تامین صلح سراسری، تساوی حقوق همه ملیت ها، استقرار نظام معتدل که در آن زمینه های رشد متوازن جامعه افغانی باز تاب داشته و از تبدیلی افغانستان به مرکز بنیاد گرایی جلوگیری نماید تدابیر لازم اتخاذ شد، در کمترین زمان بعد از ایجاد جنبش برای دستیابی به اهداف فوق، سالم اندیش ترین نیروها و ائتشار مختلف اجتماعی با هم متحد گردیدند که نتیجه آن سقوط رژیم نجیب الله گردید. ولی باکمال تأسف به اثر برخورد های غیر مسوولانه تنظیمی به خاطر احراز قدرت همه آرزوها و امیال ملت ما قربانی خود خواهی ها و انحصار طلبی های رهبران تنظیم های بنیادگرا شده نه تنها در کشور ما صلح تامین نگردید بلکه جنگ با دامنه وسیعتر با عناوین قومی، مذهبی، ملی، محیطی و تنظیمی تداوم یافت و به رنج ها و آلام ملت ابعاد گسترده تر بخشیده عملاً کشور ما را از وجود حاکمیت مرکزی محروم گردانیده بیک مرکز تولید و صدور مواد مخدر، ترور، اختناق، عدم احترام به حقوق بشر و به خصوص پایمال شدن حقوق زنان مرکز تربیه تروریست های بین المللی و بسی جنایات دیگر تبدیل نمود.

جنرال دوستم بعد از حاکمیت بنیاد گرایی در سال سیزده هفتاد یک- آگاهانه شمال و جنبش را سپر مطمینی برای روشنفکران و آواره گان گردانید و تعداد زیادی از روشنفکران اقوام پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره ... به شمال پناه بردند تا از خطر تروری بنیادگرایان تفنگ بدست نجات یابند.

مادر اینجا مشیت نمونه خروار تعداد ازین روشنفکران که مقام و منزلت نزد جنبش داشتند تذکر میدهم .
ولی آرزو دارم که این روشنفکران خود لب به سخن بکشایند .

از اقوام غیور پشتون :

- جنرال داوود (عزیز)

- جنرال اکادمسین موسی (وردک)

- جنرال رحمت الله (روفی)

- جنرال عوض (قوماندان غند 101 وزارت امنیت دولتی)

- جنرال معاذ الله

- رزاق سیلوش

- زیا رمل قبلاً والی ننگرهار که مدت در شمال بودند .

- شفیق الله (توده بی) قبلاً والی لغمان در شمال زندگی می نمودند .

- جمعه خان همدرد والی فعلی .

- دوستی و روابط گرم دوستم با پشتو نهایی ولایت بغلان و کندز .

- رحمانی والی سمنگان .

- خویشاوندی جنرال دوستم با اقوام پشتون . (همسروی نیز پشتون است) .

- حاجی نواب قوماندان امنیه ولایت بغلان .

- جنرال حاجی - - - - -

- امرخیل

در شورای علما و شورای رهبری شمال نیز تعدادی از برادران پشتون سهم عمده داشتند . (نویسنده نه عضو حزب جنبش ملی بوده و نه در شمال زندگی و اجرای وظیفه کرده و ارقام فوق که به هیچوجه تکمیل نیست ، زیرا مشخصیتهای زیادی از ملیتهای باهم برادرو برادرشمال حضور داشتند . از لای بلای آرشیف شخصی اش جمع آوری نموده ام) . . .

از ملیت برادرتا جیک :

- موسی (توانا) معاون تنظیم جمعیت

- جنرال اکه یاسین

- صادق (مدبر؟) معاون حرکت اسلامی

- جنرال عبد الحمید ریس امنیت ملی بلخ

- عطا محمد نور معاون جنیش
- جنرال مومین اند رابی معاون جنیش
- علم آزادی قوماندان گارنیزیون شهر مزار شریف
- مولوی علم والی بلخ
- جنرال هال پیلوت.
- شهید پیلوت مصطفی قهرمان
- شهید محراب غوربندی
- جنرال خلیل پروانی
- داکتر جنرال رزاق سیلوش
- جنرال مومین اندرابی قوماندان لوی سالنگ
- جنرال حیدر اندرابی فعلا در وزارت دفاع
- قوماندانان تنظیم ها مستقر در شمال از تمام اقوام
- جلیل پرشور نویسنده
- جنرال ظاهر ازخوست ولایت بغلان
- جنرال عصمت قوماندان امنیه ولایت بغلان از نهرین
- جنرال سرور ریس امنیت ملی ولایت بغلان از نهرین
- جنرال سید احمد قوماندان امنیه ولایت سمنگان
- جنرال رزاق قوماندان امنیه بلخ
- ببرک غوربندی ریس امنیت نظامی شمال ...
- از اقوام هزاره زحمتکش وسید :
- محقق فعلا حزب وحدت مردم
- جنرال سید یونس
- سید منصور نادری عضو هیئت رهبری جنیش
- جنرال سید جعفر نادری والی قبلی ولایت بغلان
- سید ظاهر ریس روابط خارجه جنیش
- سید نسیم مهدی معاون جنیش
- جنرال امیر شاه ریس امنیت ملی بغلان و معاون امنیت شمال

- جنرال شاه قدم نیک پی امرانیت قوماندانی امنیه بغلان

- جنرال حیدر نیک پی قوماندان لواه

- جنرال کامیاب

- جنرال امیر ریس ارکان قول اردوی نمبرشش

- سید الفت قوماندان گارنیزون شهر پلخمری

- نادر علی قوماندان امنیه جوزجان که در حوادث قلعه جنگی توسط القاعده به شهادت رسید

- ارزگانی قوماندان لواه .

هیت رهبری جمعیت و شورای نظار بعد از فرار از کابل همه در شمال زندگی داشتند و همچنان اسماعیل خان و هیت رهبری حوزه جنوب غرب بعد از سقوط هرات به شمال پناه بردند .

- داکتر عبد الرحمن معاون شورای نظار و وزیر در حکومت انتقالی ...

جنرال (دوستم) بعد از حوادث تروریستی یازده سپتمبر در سرکوب تروریستان بین المللی نیز خدمات

فراموش نماندنی انجام داده و برای اولین بار شمال را از وجود طالب و القاعده پاکسازی و پرچم

حاکمیت دولتی را به اهتزاز در آوردند . در سالهای اخیر روابط جنرال دوستم و تیم کرزی فراز و نشیب

های بسیار داشته است . از جنگ افروزی عمال تیم کرزی در فریاب تا عملیات انتحاری شبرغان و دسیسه

های اکبر بای و ساعی ... باور بر این بوده است که تیم کرزی در راستای حذف و تضعیف دوستم آشکار و

پنهان تلاش کرده است . در مقابل ، دوستم هم با پختگی تمام به گونه ی بازی کرده است که هم در میدان

بازی بماند و هم اینکه کاری نکند که بهانه ی برای تیم حاکم شود . شرکت در انتخابات ریاست

جمهوری و مانور خوب او در میان مردم از بیگ و ترکمن کشور یکی از تلاش های مهم و سنجیده شده

جنرال دوستم در تحکیم موقعیت سیاسی اش در وضعیت جدید افغانستان بود . همکاری او با پروسه

دی.دی.آر و در عین حال تقویت تشکیلات اداری و سیاسی اش و انتقال تدریجی هویت نظامی اش به یک

چهره سیاسی در قالب مبارزات انتخاباتی و غیره جالب و برای ایشان و مردمش مفید واقع شده است .

بردباری ، درک لوازم وضعیت کنونی و همنوایی هوشیارانه با قدرت های بیرونی بازی موجب شده است

که دوستم از میان یاران دیروزینش - مارشال فهیم و استاد خلیلی - در این مقطع از تحولات

افغانستان نیز سر بلند تر و برجسته تر باقی بماند . او تا هنوز یک بازیگر قدرتمند است و در عین حال

شخصیت مردمی و حمایت مردمی اش را نیز قربانی بقا در وضعیت نوین نکرده است . در میان رهبران

جبهه متحد دیروزین این خصوصیات ، خاص دوستم است و حکایتگر کارکشتگی و ظرفیت وسیع فردی و

تشکیلاتی او هم می باشد .

توانایی شگفت انگیز دوستم در بازی در شرایط سخت و سرنوشت ساز وقتی مشخص و برجسته می نماید که در قدم نخست دو دهه فعالیت نظامی و سیاسی ایشان مرور شود و بعد او با دیگرانی مقایسه شود که در طی تحولات غیر قابل پیشبینی ، سریع و پر فراز و نشیب افغانستان به نحوی سهم بوده اند . انتخاب اشرف غنی در انتخابات پیش رو بار دیگر وحشت خواهی و جوان مردی دوستم را بر ملا نمود .

اشرف غنی در همایش بزرگ تیم تحول و تداوم در ولایت دایکندی: تبعیض سرطان است و تحقیر مرض است. هزاره دیگر نباید تحقیر شود. ما تنها تیمی هستیم که میگوییم هیچ افغان از هیچ افغان کمتر نیست و هیچ افغان از هیچ افغان بر تر نیست خواست شهید مزاری هم بود و خواست استاد خلیلی هم است.

جنرال دوستم در همایش بزرگ تیم تحول و تداوم در ولایت دایکندی : هزاره ها ، جنبش ها و ترکتاباران در یک تصمیم است ما از همدیگر جدا نمی شویم. مزاری را همه دوست دارد کسانی که مزاری را دوست دارد دوست مزاری را هم دوست دارد کسانی که مزاری را نمی شناسد پدر خود را هم نمی شناسند.

هزاره که مزاری دوست نداشته باشد او را در بین خودنمانید.

جنرال دوستم: اول از کسانی که مخالفین مسلح دولت هستند خواهش میکنم که به پروسه صلح بپیوندند و از مزایای حکومت مستفید شوند. بالای همدیگر آتش نکنید، دوران جنگ به پایان رسیده است. نه طالب باشید و نه داعش، بلکه کمرهای تان را برای خدمت به مردم خویش بسته کنید . دیگر برای کسی اجازه داده نخواهد شد تا به بهانه های گوناگون بالای مردم با سلاح آتش کنند و انسان ها را بکشند. در آستانه دفاع مستقلانه از کشور، در کنار نیروهای امنیتی خویش قرار داشته از آن حمایت می کنم و از شما نیز می خواهم تا در قریه ها و روستا های تان از این نیرو ها حمایت کنید. اگر درد ملت و مردم با جنگ درمان میشد خیلی وقت قبل درمان میکردم. جنگ فقر و بدبختی است در جنگ میان افراد یک خانه همه بازنده است. منشا تمام بدبختی ما نفع و رفاه چند نفر به بهای قربانی ملت بود . ما که همه سختی ها را با گوشت و استخوان خود احساس کرده به اینجا رسیدیم اگر ما ملت را درک نکنیم و به داد ملت نرسیم خارجی ها نمی رسند. سمت بازی و قوم بازی تهدید بخاطر چوکی و پول خود بازیگر ها را رسوا میکند. طالبان ماین های ضد پرسونل مقناطیسی ندارند. هر جا که حادثه بی از ماین مذکور رخ داد بدانید که افراد دولتی گروه تروریستی جمعیت شورای نظار با همکاری سپاه پاسداران ایران بخاطر منفعت و اهداف شوم خود انجام داده است!

دوستم: به حکمتیار صاحب گفتم بیا در دم پیری یک همت بکنیم گیلیم شروفساد را از افغانستان جمع کنیم عمر ما و تو در انقلاب و جنگ تیرشد اولادهای ما روزگار آرام داشته باشند و یاد نیک و دعای خیر نصیب ما شود.

---< مقاله ي بقلم بريان گلاین ویلیامز در نشریه هافنگتن پست در مورد جنرال دوستم به نشر رسیده که توجه تانربه قسمتهای ان معطوف میداریم : ... جنرال عبدالرشید دوستم که از نگاه قومی از بک مغولی است و کسی که در مقابل طالبان و متحدان القاعدهی آنان و همچنان در مقابل مجاهدین شورشی ... جنگ طولانی و دشواری کرده است، در اعلامیه مردم را بهت زده کرد: وقت آن فرا رسیده است که همه ما از اثرات منفی ای که سیاست های ما در گذشته به مردم سراسر کشور ضرر رسانده است، از آنان معذرت بخواهیم. من می خواهم در این راستا پیش قدم باشم و بگویم که ما از همه ی آنانی که در هر دو طرف جنگ ها متحمل آسیب شده اند معذرت می خواهیم ...

این کار او بی نظیر بود، اما برای کسانی که دوستم را می شناسند غیر منتظره نبود. تا آنجایی که دیگر جنگسالاران افغانستان را می شناسیم، دشوار است بتوان دوستم را با آنان مقایسه کرد؛ مثلا با گلبدین حکمتیار اسیدپاش که علیه دوستم جنگیده است ... در دهه نود - دوستم که ترقی خواهترین رهبر لیبرال در افغانستان بود، در عمل یک دولت سیکولار را در مناطق هموار شمال تأسیس کرده بود. وسعت دولت او به اندازه ی ایالت ماساچوست امریکا و پایتخت او شهر کهن مزار شریف بود. آزادی های زنان در مزار شریف تضمین شده بود، آزادی که در دیگر نقاط افغانستان که توسط مجاهدین اسلام گرا حکمرانی می شد، قابل دسترسی نبود... در هنگامی که در سرزمین های شمال با دوستم بودم، من از مکاتب دخترانه ای دیدن کردم که اوساخته بود. با از بک هایی ملاقات کردم که تصویر او را بر دیوار خانه ی شان آویخته بودند و او را بابا (پدر) و مدافع می گفتند. من او را دیدم که با زنان سیاست مدار بدون چادری ملاقات می کند و آن ها از نگاه مالی حمایت می کند. احمد رشید در کتابش بادروغ و فتنه سازی در مورد جنرال دوستم نوشته بود: «جنرال دوستم نه تنها اینکه دوازده مرغ را در یک وقت می خورد و در یک نشستن بیشتر از دو پیمانهای یک لیتری وُدکا را می نوشد.»

من دوستم را یک رهبر منطقه ی یافتیم که عمیقا توسط مردمش احترام می شد و او را کسی یافتیم که در سرزمین پر از قاچاق بران مواد مخدر، متعصبان مکتب سوز، زن ستیزان سنگ سارگرو بمب گذاران انتحاری، کسی بهتر از او پیدا نمی شد و من خوشحالم که بگویم که در آخرین باری که من با دوستم غذا صرف کردم، یک سیخ کباب و مقدار کمی برنج خورد و به دنبال آن فقط یک پیپسی نوشید، نه دوپیک یک لیتری وُدکا. من سالها در آمریکادر و غهای شاخداري از ژورنالیستان و بخصوص احمد رشید پاکستاني خوانده بودم و چندین بار که جنرال دوستم را ملاقات نمودم و در بین مردم بودم و دانستم که این همه هیاهو دروغ بیش نیست.

احساسات‌گرایی ژورنالیستی وانگیزه‌های پنهان ... در این تخریب‌ش از دوستم غول‌آسا و مردم از بک غارتگر او به شدت گزافه‌گویی و غلو کرده است. این گزافه‌گویی در جمله‌ی فوق که مردم از خنده‌ی جنرال تا سرحد مرگ می‌ترسیدند به اوج رسیده است. نویسنده‌ی (احمد رشید) عبارات بالا، بخاطر جلوه دادن یک داستان ساختگی به عنوان واقعیت، بعدها از جنرال دوستم پوزش خواست. اما آن وقت، چهره‌ی جنرال تخریب شده بود.

سروردانش معاون دوم ریاست جمهوری

ملتی که دارای بهترین مکاتب است بهترین و قویترین ملت به شمار می‌رود اگر امروز نیست فردا خواهد شد. میهن دوستی باید مقدم بر هر کار و خود مختاری و استقلال پیشرو بر هر اندیشه باشد.



اگر هزار قلم داشتم

هزار خامه که هر یک هزار معجزه داشت

هزار مرتبه هر روز می‌نوشتم من

حماسه‌ی و سرودی به نام آزادی...

دانش نخستین والی ولایت دایکندی و پس از آن، وزیر عدلیه و معاون کمیته قوانین شورای وزیران بوده

است. در دور دوم حکومت کرزی، سرپرستی وزارت تحصیلات عالی و ریاست بُرد مشورتی

در امور عدلی و حقوقی ریاست جمهوری را عهده‌دار بوده است. در تمام دوران فعالیت‌های اجرایی، رابطه

او با تدریس برقرار بوده است و وی، هم‌اکنون، عضو هیأت علمی مؤسسه تحصیلات عالی ابن‌سینا و

رئیس هیأت امنای آن است.

سرور دانش وزیر عدلیه و تحصیلات عالی حاکمیت کرزی در سال سیزده چهل در ولسوالی اشتراکی ولایت دایکندی به دنیا آمده و تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش و تحصیلات خود را در رشته فقه، معارف اسلامی به درجه فوق لیسانس در کشورهای عراق، سوریه و ایران به پایان رسانیده است. سرور دانش در جرگه اضطراری اشتراک فعال داشته و در کمیسیون های تسوید و تدقیق قانون اساسی عضویت داشته است.

سرور دانش در سال سیزده هشتادسه به حیث والی دایکندی و از ماه جدی سیزده هشتادسه به حیث وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان ایفای وظیفه می کرد تا بعد از دور اول ریاست جمهوری کرزی مدتی به حیث سرپرست وزارت تحصیلات عالی فعالیت نمود. سرور دانش به زبانهای دری، پشتو و عربی تسلط دارد. ایشان از زمانی که با هماهنگی خلیلی از قم به کابل آمد، در پست های مختلف دولتی فعالیت کرد. به هر حال سوای از همه مسایل تجارب وی در پست های مختلف دولتی طی سالهای گذشته می تواند برای دولت آتی مفید و قابل استفاده باشد.

دانش لیسانس رشته حقوق، ثقافت و معارف اسلامی و فوق لیسانس در فقه و معارف اسلامی دارد. او در دوره جنگ با نیروهای شوروی در سازمان نصر (حزب وحدت اسلامی) فعالیت داشت. اشرف غنی عبدالرشید دوستم رهبر جنبش و سروردانش معاون رئیس حزب وحدت را به ترتیب به عنوان معاونان اول و دوم خود برگزیده است. گفته می شد که شماری از مقام های ارشد دولتی از جمله حامد کرزی رئیس جمهوری و کریم خلیلی معاون دوم او از نامزدی غنی احمدزی حمایت می کردند. اشرف غنی پس از ثبت نام پیامی منتشر کرد و در آن نوشت- از بیش از یک قرن به دین طرف، سیاست عمومی کشورمان نپذیرفتن همدیگر، عدم تحمل و نفی کردن سیاست یکدیگر بوده است. اکثر حکامان از قدرت خود به عنوان حربه ای جهت حذف سیاسی و یا فزیکه مخالفین سیاسی خود استفاده نموده اند. او تاکید کرده است، ما در این مقطع حساس تاریخی به پذیرش و تحمل همدیگر با تاکید بر اجماع ملی برای تامین ثبات و حاکمیت قانون، نوشته است: ما حاضریم که خود را تغییر دهیم تا خداوند موفقیت را نصیب ما و ملت مان گرداند.

دانش در جریان مبارزات انتخاباتی گفته بود- بدون شک مردم به برنامه ای رأی می دهند که واقعیت های عینی و مشکلات فراروی زندگی مردم را مورد توجه قرار داده باشد. امروز مشکل اصلی مردم کشور از بدخشان تا هلمند و فراه و از بادغیس تا بامیان و دایکندی و پکتیکا و... مسأله زبان و قومیت نیست. قانون اساسی و نظام حقوقی ما این مشکلات قومیت و زبان را با بهترین فرمول حل کرده است.

خواسته های اصلی و عمومی مردم در مبارزه با چالش ها عبارت است از:

ثبات سیاسی و صلح پایدار و امنیت مطمئن.

حکومتداری خوب و عاری از فساد و مبتنی بر اصل عدالت و حاکمیت قانون.

پلان اقتصادی برای کاهش فقر و بیکاری و افزایش عواید ملی و رشد اقتصاد کشور.

تعامل مثبت با جامعه جهانی برای تثبیت جایگاه شایسته افغانستان.

ما اطمینان داریم که در همه چهار مورد فوق، تیم تحول و تداوم دارای بهترین و دقیق‌ترین برنامه است و

با پیروزی این تیم، تغییرات اساسی و بنیادی در هر چهار مورد پدید خواهد آمد و به همین میزان هم

مطمئن هستیم که تیم رقیب ما در هر چهار مورد نه تنها فاقد برنامه منسجم است بلکه در صورت

پیروزی تیم مقابل، در هر چهار محور فوق، وضعیت کشور به وخامت خواهد گرایید، نه ثبات و امنیت

پدید خواهد آمد و نه حکومتداری خوب و عاری از فساد و ازسوی دیگر نه فقر و بیکاری کاهش می‌یابد و نه

عواید ملی بالا خواهد رفت و نه افغانستان در جامعه بین‌المللی اعتبار شایسته پیدا خواهد کرد. دلیل روشن

ما بر این ادعا قراین و شواهد موجود و نحوه برخورد تیم رقیب در دور اول است. در طول دوره

مبارزات انتخاباتی گذشته، تیم اصلاحات و همگرایی، به جای این که برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود در باره

حل معضلات کشور را ارائه دهد، به شایعه‌سازی، تهمت و افترا پرداخت و هواداران این تیم، در توهین

و هتک حرمت اشخاص مخصوصاً شخصیت‌های تیم تحول و تداوم از هیچ کوششی دریغ نوزیدند.

ما به دوستان خود در تیم رقیب توصیه می‌کنیم که به مرحله پسا انتخابات هم بیندیشند. دوره انتخابات به

سرعت پایان می‌یابد و مردم فیصله خود را خواهد کرد اما ما نباید در برخوردهای خود همه مرزها و

خط قرمزها را بشکنیم و از ادب و اخلاق تا آنجا فاصله بگیریم که فردا گرفتار عذاب وجدان شویم.

دانش بعد از تصاحب چوکی معاونت دوم ریاست جمهوری می‌گوید- بنیاد اصلی قانون است. یا درمسائل

اصلی که ما با آن مشکل داریم، مربوط به قوانین می‌شود. اما درکنار قوانین بسیار مسائل دیگری است.

به عنوان مثال، فهرست رای دهندگان. در قانون فقط یک جمله آمده که رای دهنده باید سندی داشته باشد

که هویت خود را تثبیت کند. الان بحث تذکره الکترونیکی است. آیا این سندی است تا انتخابات پیشرو یا

نه؟ اگر سندی نبود، چه بدیل دیگری باید داشته باشیم. اگر این اصلاح نشود، صد بار قانون را اصلاح

کنیم، باز هم همان کارتها است و همان چیزهای که قبلاً تکرار شده بود.

دانش اما اکنون برکرسی معاونت دوم ریاست جمهوری تکیه زده است. ستاره اقبال او زمانی پرفروغ شد،

که کریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی، در یک شب تاریخی با جنرال عبدالرشید دوستم،

سیاستمدار پادشاه‌ساز افغانستان ائتلاف انتخاباتی تشکیل داد، و با اشرف غنی بر سر تیکت انتخاباتی به

توافق رسید. معاونت دوم در این تیکت انتخاباتی به سروردانش تعلق گرفت و او در دو دور انتخابات

ریاست‌جمهوری که امسال برگزار شد، مبارزه و رقابت نفس‌گیر با حاجی‌محمد محقق، برسرکسب آرای هزاره‌ها داشت. درنهایت در هر دو دور، بیشترین رأی هزاره‌ها را حاجی محمدمحقق به خود اختصاص داد؛ اما در نهایت، این سرور دانش بود که کرسی معاونت ریاست‌جمهوری، کرسی‌ای را که دو دور محمدکریم خلیلی بر آن تکیه زده بود، از آن خود کرد و محمد محقق، تنها معاون دوم رییس اجرایی شد. کارنامه سرور دانش در دوران وزارت عدلیه، به‌خصوص در زمان سرپرستی وزارت تحصیلات عالی، مورد انتقاد زیادی قرار گرفته است. این انتقادات در پایین‌بودن آرای او نسبت به محقق بی‌تأثیر نبود. حال سرور دانش فرصت مجددی یافته است که در موقعیت متفاوت کاستی‌های گذشته را جبران کند و چهره متفاوتی از خود به نمایش بگذارد. ادامه دارد...

[بقیه گزیده های مقالات \(صبح\) اینجا کلیک نماید](#)